ئريس هيلبز گرى در كتاب جنگ پستمدرن

(۱۳۸۱)معتقداست که آنچه جنگ هابدان شکل

میدهد، بدنهای واقعی هستند(هیلبز گری، میدهد، بدنهای واقعی هستند(هیلبز گری، ۵۵۷:۱۳۸۱). در حقیقت جنگ تنها به میانجی

بدنها شکل می گیرد؛ شدت تقابل بدنها در جنگهای اعصار کهن بسی فراتر از آن در دوران

بنگهای مدرن بوده است. حضور سایبورگها، شبیهسازی، الکترونیکی کردن جنگافزارها و بســیاری تحولات تکنولوژیکی در حوزه جنگ

. ـــــری را در را در این مکن رسانیده تقابل میان بدنها را به حداقل ممکن رسانیده است. شکار دشمنان توسط هواپیماهای بدون

سرنشـــین یاانهدام مواضع آنان از راه دور، چنان موشکافانه و فانتزیک صورت می پذیرد که گاهی در چشم مخاطبان نمونه ای از فضای مجازی یا برچستم معاصیان معوسی رفضای معاری یا بهعنوان بخشی از یک گیم تصور می شود. مفهوم بسدن در جنگ را می تسوان و باید جزء لاینفک و غایت شناختی جنگ به حساب آورد.

ا البته رد تحولات تکنولوژیکی و سایبور گھا طی

جنگهای پُستمدرن بعد از ۱۹۹۰، شکلی از پنهان کردن بدن هاو اخفای آن را در جریان

مورسازی جنگ به نمایش می گذارد تا بدین شکل جنگ از راه دور، به مثابه جنگی کمتر رودرو و درِ عین حال جنگی کمتر خشین به نمایش

در یا در اختفای هرچه بیشتر بدنها، دور شدن و محو کردن بدن دشیمنان از چشم جنگاوران

و مخاطبان اخیار جنگ، در واقع باز سیازی بدن

دُشمنان است درقالب اهدافي قابل نهدام بدون

سویههای انسانی و زیستشناختی آن. حملات

آمریکاییها علیه مواضع دشمنان خود در عراق و افغانستان، تنها در نمایی اکستریم لانگشات

باً زوم کامل از بالای سر مردمانی دیده می شود که در تصویری نگاتیو شده در مکانی مشخص

گرد آمدهاند. عوامل جنگ و مخاطبان در این

رر رزری کال آف دیوتی (Call of Duty)، با هرچه دور تر کردن نمای بدنهای دشمنان سویههای

بصُری خُشونت در میان نماهای نگاتیو شده و مجازی محو می شوده تا آن جا که می توان گفت

به تناُظر نماُهای فیلُمی/ تکنولوژیک سُاختی زیبایی شـناختی به جنگ تزریق شـده است. بالزار یکی از گزارشـگران جنگ کویت، تصاویر

حنگعليەيدن داعش سر آغاز دوران پساخشونت احمد غلامی | کارشناس ارشد ج

اســـلامگرای دولت اســـلامی در پی باز گرداندن

، پی منصر مایب به منابه هویت حشونت شناختی جنگ به درون میادین جنگی و اخبار و تصاویر مربوط به آن است.

ین تحول خشونتشناختی را باید بهعنوان

و سید بدی طونی سودند. نازی در آشسویتس و دیگر کورههای آدمپزی با توجه به عناصری چون سسرعت، کار آیی، اقتصاد زمان و لحاظ کردن هزینههای مربوط به قتل

ر برار کرد می کشت. عام مردم، کشتار یهودیان را بهعنوان بخشی از ساخت تولیدی نظام نوین اقتصادی- سیاسی

خود با سرعت هرچه تمامٌتر و به صرفه تر به پیش می برد. عنصر خشـونت درواقع کلیــت امحاء را

دربر می گرفت. در این کشـــتار رأی بر محو کامل

مسامی از یهودیان و کشـــتار آنان ضرورت حضُور تکنولوژیهای مربوط را که به این آرزوجامه عمل بموشاند، افزایش میرانیا

بپوشاند، افزایش می داد. با حضور تکنولوژی های

می شد.اما در برآبر این شکل از خُشونت، با حضو داعش تکنولوژی های کشتار به نفع حضور مجد

بدن در میانه تصاویر کنار گذاشته شد. تصاویر بدن در مینه نصاویر نثار ندانسته شد. صاویر فجیع از کشتار مردان و زنان با چاقو واره پر تاب آنها بسد درون درههای عمیق تیربــــاران از فاصله نیمهتری، کشتار اسیران کتبسته با گلولههای نامرتبط همچون آریی جی و تانک از فواصل بسیار

نزدیک و..درواقع مبارزه میان دونوع تصویرسازی ازبدن و جنگ است. نمای نزدیک با خشونت کاملا

مریی و بی واسطه در برابر نماهای از بالا از فواصل

ماهای دور دوربینهای آمریکایی تسوان و در

سه سای مورخورهای و مریحایی سون و حر عین حال ضرورت پخش تلویزیونی آن را بهدلیل ساخت زیبایی شناختی تکنولوژیکی جنگ در رسانهها بیشستر و توجیهپذیر تر کرده است، اما نمی توان از شدت خشسونت کلیپهای تندروان

ننی و داعیش بهراحتیی گذر کرد. حضور شدید بدن

به عنوان عنصر هستی شناسی و بودشناسانه این تصاویر و

تنها بهمنظور عريان سازى و

تعمیق در دو هراس رامی توان خصیصه همان چیزی دانست

که نکته ممیزه ایسن جریان

خشـونتهای پیشین است

پساخشونت فراخوان مجدد بدن است به درون برنامه هایی

از نوع بدوی بهمنظور بازسازی

مجدد درد و درونیسازی آن با شدیدترین و در عین

مال دردناک تریسن ابزارها.

مفهوم اساسي و پيام بنيادين پساخشونت همهجایی کردن خشونت است. عدم

بکار گیے ری تکنولوژیهای کلان و مصدرن، این هراس را بازآفرینی و دوچندان می کند. خُشونت در این تعریف امری سے الوصول والبته عریان

از تُکنولوژیهایــی است که بدنها را مستتر می کنند. بریدن بدن یک سـرباز زن کرد بااره یا

می نست بریس بدن یت سحربر رن بر - بر بریدن سر خبرنگار آمریکایی، جیمز فوولی و اوج عریان سازی و تعمیق درد است، در گفتمانی که تنها بدن را بهمناظره می خواند بدنی کردن شدید

بکارگیری ابزارهای دمدستی وهمه جایی همچون سنگ، چاقو، اره و ... ساخت نوینی از خشونت را به تصویر می کشد که می توان آن را به نیابت

جریانهای تندروپس از یازده سیتامبر، جریان

ونت از طریق عربان سازی و تعمیق درد و

. بُكارُ گيسرىابسزارآلات ب

دورتر که خشــونت را پنهانِ میســ

حضورسايبور ګها، شبیهسازی، الکترونیکیکردن جنگافزارهاوبسیاری

تحولات تكنولوژ يكي در حوزه

جنگ، تقابلُ ميان بدنُ هاراً

به حداقل ممكن رسانيده

است.شكاردشمنان توسط

ر پی انهداممواضع آنانازراهدور، چنانموشکافانهوفانتزیک

صورت می پذیرد که گاهی در چشم مخاطبان نمونهای

ازُفْضَایُمجازی یابهعُنوان

بخشى ازيك گيم تصور مىشود

. هواپیماهایبدونسرنش

عنوان دشــمن، شــکلی از خواس یهر یی کراند نرون، پادشاه مستبد رومی بود که آرزو داشت، تمام جامعه یک سر داشت تا او با یک ضربه آن را از گـردن جدا می کـرد، امحـاء کامل صورت

سلنوینیُازفرآیندخشنِسازیجنگبه مس ویدی رو را یک حسس ری جیت به حسب آورد. امری که باید آن را تحت عنوان پساخشونت مدنظر قرار داد. تفاوت این فرآیند باانواع خشونت در اعصـــار و دوران های گوناگـــون از آغاز تاریخ تا

جُنگجهانی دوم را می توان در تع

و شــدیدبدنی کردن خش

اين عنصر غايب بهمثابه هويت



and h

أماده شده روى ذغال چه فرقى دارد؟! آيانتيجه لاغرى در ۱۰ روز را می توان با دســـتیابی به تناسه طول زمان و به شیوه صحیح مقایسه کرد؟ آیا تر جمه ری ر کی ر کی ہے۔ مترجمدارایمدرک ترجمه دوره چندماهه بابر گردان یک استاد مجرب کاردان متفاوت نیست؟ آیا کاریک مشاور خودخوانده که یک واحد درسی هم نگذرانده با یک دانش آموخته روانشناسی همسان است؟ آیا بیت مسین سوعه روست سعی میست سعیت به بوی عطر قلابی باشمیم فرح بخش ادکان اصل برابری می کند؟ آیا طلابا آبطلا یکی است؟ البته پاسخ این سـوال ها روشن اسـت. اگرچه در کوتاه مدت ممکن استُ فريبُ ظاهر رابخوريم امابا گذشت زمان ماهيت امور آشكار خواهدشد. چون هستى قانون دارد. تخلف از قوانین هستی بیشترین صدمه را به متخلف خواهد زد قانون کاشت، داشت و بر داشت یکی از قوانین اساسی زندگی است.افرادی که به خیال خودبخواهند این قانون را دور بزنند به دور خود گشته اند! کسانی که بدون گذر از مسیر دو گام اول این قانون به سراغ سومی بی روند دیر یا زود متوجه تلهای می شوند که بادسً تویش خود را در آن گرفتار کردهاند و آنجاست 

فقط یک بار مــورد داوری جدی قرار بگیرد. مثلا یک فرد ثروتمند یا دانشمندی که ثروت یا دانش خود را از راهٔ نادرٌست کسب کرده و تلاشیٌ بُرای آن نکرده است هر لحظه باید نگران از دســت دادن آن برای همیشه باشد. چنین فردی مسیر پررنج رسیدن به هدف و حفظ و نگهداری خود در جهت عالی تلاشمداری را طی و تحمل نکر ده است. او نمی داند که در سـر کـدام پیچ باید به راست و در کدامیک باید به چـپ بگردد. افـرادی که تلاش

نمی کنند تا دانههایی را بکارند و در نگهداری آنها نیز صبر ندارند تا تبدیل به نهال و درنهایت میوه شوندا گر وسوسه شوندمیوهای داشته باشند قطعا دروغ خواهند گفت و در دفاع از یک دروغ هزار دروغ دیگر!استاد عزیزی می گفت چطور فردی کتابی با نشری روان و عزیزی می دفت چهنورفری دنتی ب اعتری روان و شیوا تألیف می کند اما امنی تواند مقدمهای در حد تألیفش بر کتاب بنگارد؟!اگر قاضی این فرد را در اثاقی مردفا با قلم و کاغذ و بسدون ارتباط با بیرون محبوس و دستور دهد تا کتابی تالیف کند، نتیجه رسواکننده خواهد بود وای از روزی که محک تجربهاید به میان! چهٔ سیاه بازی شـُـوداً متاســفانه امروزه در جامعه ما معضل زیر پانهادن این قانون کاملامشهود است. مثلا امروز در بخش قابل توجهی از جامعه دانشــجویی که

افرادی که بدون رنج میخواهند به گنج برسند گویا باقولین هستی دارندسر جنگ اصلااز قدیم گفتهاند بادآورده رابادمی بردا کافیست دستاور دچنین افرادی یا انجام پــروژه و کار عملی مربوط بـــه درس صورت نمیدهند.بهعنوان یکمدرس دانشگاه بایدبگویم که این یک هشدار جدی برای جامعه مااست. این یک تلهاجتماعی است که اگر برای رفع آن اقدام عاجل صورت نیذیر دمنجر به تراژدی اجتماعی خواهد شد. يعني بهزودي جامعه از افرادي اشباع خواهد شدكه بدون دانــش و تخصص دار ای مدرک بــوده و مدعی . روی خواهند بود. این مشکل مختص دانشجویان نیست. در میان اســـاتید هم مواردی برای گفتن وجود دارد. مثُلااستادی که پول می دهد تا برایش کتاب ترجمه کنندو کتاب مذکور را به نام خودش چاپ می کند نیز همین مشکل را دارد. یا آن مربی ورزشی که صرفابا برداخت پول احکام اســـتادی برای خود د<sub>و</sub> می کندنیز همینطور.مدتی پیش دوستی نزد من از را (که وزارت علوم گله و شکایت می کرد که مدر کش را (که ز فلان کشور اروپایی) گرفته تأیید نکردهاند. می گفت ۳سال در غربت با هزینه زیاد زحمت کشیدم حالانه راه پـس دارم و نه راه پيـش! در ابتدا تعجب کردم که چطور وزارت علوم ايران مدر ک فرنگي هار اقبول ندارد! ب الرورون اما بعدا از طریق دوست مشترکمان متوجه شدم، درست است که ایشان در خارج تحصیل کردهانداما

داشت و در داشت به حاشیه ، فته است. متاسفانه يارى اُز دُانشـجويان به جزءُ قبول زحمت حضور

در جلسه امتحان عملا تلاشی برای فراگیری دروس

نه در دانشگاه معتبر آن جا بلکه در دانشگاه پولی آن

صیل در مقطع

مستقیم است. یک مثال دیگر برای نقض قانون کاشت، داشت و برداشـــت، تحصیل در مقطع تحصیلات تکمیلی با مدر ک کارشناسی غیرمر تبط است. چطور چندواحدجبرانی در یک ونیمسال جای حدود ۱۴۰ واحد گذرانده شده در ۴ سال رامی گیرد؟! عرب اگر چند واحد برابر است با صدوخوردهای واحد چرا اساسا دوره کارشناسی از ۴سال به یک و نیمسال کاهش نمی یابد!! متاسفانه از استدلال مسئولان مربوط اطلاعی ندارم اما بهنظر می رسید دست کم در مورد رشتههای خاصی که دارای حساسیت و تاثُير گُذاري بالا در سلامت حامعه هستند لازم است - دیر حدری ب در صدحت بست. قانون مانع ورود افراد با مدرک کارشناسی نامر تبط ب تحصیلات تکمیلی شود. به هر حال، این روز ها آدمها مایلندبه هرقیمتی که شده مهم باشند!میل به محترم بودن پاسخ به یک نیاز اصیل است ولی وهم این نیاز به مهم بودن آن هم به هر قیمت، هزینه سنگینی هم بر فرد و هم بر جامعه تحمیل می کند. در صورتی که بخواهیم جامعه رااز این تله اجتماعی امروزی و تراژدی اجتماعی آینده نجات دهیم، چاره نداریم جز این که از قوانین پیروی کنیم. تلاشگری و صبور بودن منجر ر کر ہے)۔۔۔ررک ہے۔ به برداشــت محصولی ارزشــمند خواهد شد. رعایت قانون کاشت، داشــت و برداشت اگر چه ممکن است

کمیت را کاهش دهد اماً بُر کیفیت زُندگی ما خواهد افزود. تلاش و صبر برای بیشینه کردن کیفیت زندگی

انتخاب خردمندان است.

كشورابا خودتكرار كردم كه كوتاهترين ومطمئن ترين

آمریکاییهاعلیه سربازان عراقسی را اینچنین گزارش می کند: آنان مانند گوسفندانی هراسان و بیرون ریخته از آغل، گیج و وحشتزده زیـر آتـش جهنمی ازآسایشگاههایشان ت يناهگاهها فرار . میکردنــد، یکییکــی به ت مهاجمانی نامریی به خاک می فتادند و انفجار گلولههای ۲۳میلی متری تــوب قطعهقطعهشـــان ر . میکسرد (همسان: ۸۶). این تصویــر به همــان انــدازه . مخاطبــی از یک

تفسیر محاطبی از یک فیلم جنگی، مجازی و در عین حال زیبایی شناختی است. دوری و بنداد کرده ت. دوری و پنهان کردن بدنهای دشمنان در بیانگی مسیمان در نماهای بسیار دور از بالا، تنها برای گزارشگر و مخاطبان

پرای درارسـدر ومعطیبان می تواند به مثابه تصویری از گوسـ غندان تداعی شود. غیاب بدنها عنصر اساســی جنگ پستمدرن اســت تا بدینشـکل، بعدی لذتشــناختی و زيبايي شناختي يعجنگ ببخشد

ره ایک اما در برابـر این جریـان غالب که سـعی در دور کردن و غیاب بدنهـا دارد، جریان تندروان رو طرحان و سیب بست. استارهی موسوم به داعش، باز آوری و احیای مجدد بدن در جنگ را سرلوحه قرار داده است. احیای مجدد بدن یا نزدیک کردن هار (دادهاست اجهای مجدد بدین بازادید کردن بدن هادر چرب نداهای کاناد روز رو درموس در حقیقت بازا گرداندن عنصر خشونت به جنگ را اتفاعی می کنند، در برابر نماهای نگانتها و ایالای سر که توسط هواپیماهای بدون سر نشین ضبط شدهاندنماهای مدیوم لاکششات و کلوژاپهای ستره جویان داخمی متکام بریش سر مخالفان یا اسیران جنگی را می توان بازگرداندن عنصر بدن به عنوان غایب هستی شناختی جنگ پست مدرن پنداشت. اگر تکنولوژی و جنگ افزار های نوین پــساز ۱۹۹۰ در تــالاش مضاعفی است. برای استتار هرچه بیشــتر بدنها، رهیافت تندروان

ازجامعهمدني



خیریه «ریشهها»رابشناسید

## همه بچهها به بازی نیاز دارند

باآرامش واصولی، پیش برود. به این تر تیب کاری که با ساخت اتاق های بازی شروع شده بود، گسترش یافت وبه فعالیتهایی برای درمان بیماری نیز تسری پیدا

اُلبتــه اتاق یازی خیر یه ریشـــه ها تنهـــا محدود به کودکان بیمار نمانــد. بعدها این اتاق هـــای بازی به خانههای کودک دروازه غار و مولوی رسید و همبازی داشتندو همين هدف باعث مى شدتا خيريه ريشهها بچههای زیادی را تحت پوشش این اقدام خُود قرار دهد. تأمین کتابهای درسی و

یں ۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔۔ کمک به بچهھایے که علاقه به درسخواندن داشتندھم،از دیگر کار ہانے ہود کہ موسسہ رفتہ رفتہ

درمایی بود به سوسسه رخه رست به سمت آن حرکت کرد. بعد از یکسالی که از تأسیس موسسه گذشت، خانوادههای

مورسسه و آرگرفتند.به این ترتیب کـه بـا همکاری ان جی اوهای دیگر و به صورت سیستماتیک خانواده ها شناسایی . و بهعنوان خانواده نیازمند جزو زیرمجموعا

خیریهریشـهها قرار گرفتند. موسسه با قراردادهایی که با بیمارستانها بسته است، هزینههای درمان را پرداخت می کند و به این تر تیب خاُنوادههای نیازما برد سط کی مصورب بین فرنیب سوستان نتهابا نامهای که از موسسته دارند به بیمارستان مراْجعه ومراحل درمان ٌراطی می کُنند. به گفُته یکی ز مدیران این موسسه تنها در ۴ ماه گذشته ۸۰۰ نفر په ريشهها، په پيمار سيتان ها مراجعه كردند و به درمان بچههايشان پُرداختند البته اين

ر رمان ها شامل درمان به بعد بین بین مستخد بین درمان ها شامل درمان های سرپایی می شود (مثل سرماخوردگی ها، کار های مربوط به دندانیزشکی و بیماری های عفونسی)، برای این کارشان هم دلیـل خوبی دارند مدیران موسسه متقدند، خانوادههای نیازمند، با مشکلات زیادی مثل فقــر و اعتیاد در گیر ندوزمانى براى بچەھايشان نمی گذارنَـد بـه همیـن دلیل است که مشکلات کوچک مثل موسسه خيريه ريشه ها یک سرماخوردگی بهدلیل

۔ رسیدگینکُردن تُبدیل رسیدگینکردن تبدیل به عفونت و بیماری های جدی تر می شود در حالی که اگر به ین بیماریها رسیدگی و بهداشت در این خانوادمها

رعایت شود، بســیاری از معضلات خود به خود حل بی شود و نیاز به درمانهای اساسی تر نیست. حالا ب این امکانی که موسسه برای خانواده ها فراهم کرده، بچه ها برای مسائلی مثل دندانپزشکی و مشکلات داخلى وسرماخور دكى هايشان بدون اين كههزينهاى - سی وسرت کرند به بیمارســـتانهای طرف قــرارداد پرداخــت کنند به بیمارســـتانهای طرف قــرارداد موسسه ریشــهها می روند. گاهی اوقات هزینه ایاب و ذهُابِ خَانُوادەها هم تَأْمَين مىشـــُود تا هيچ بهانهاى براىاھمىتندادن بەسلامتى وجودنداشتەباشد.

وسسه خيريه ريشه ها كه كار خود را با ۴ خير

شروع کرد،این وروزها خیرین زیادی را به خُود جذ ب، دنیای مجازی اینُروزها کمک زیاُدی کسرده برای این که نیازمنداُن واقعى شـناخته شـوندواز طرفى خيرين از همين طُريق وباتبليغاتي كەدر شُبكەھاى اجتماعي صورت گرفته والبتەدىدىن زندگى نيازمندان از نزديك بەاين موسسه پیوستندیکی از مهم ترین پر نامه های موسسه این است که مشاوره را به صورت جدی در بر نامه های خود قرار دهد. مشاوره از این جهت برای موسســه ت دارد که می تواند به فرهنگ سازی کمک کند یکی از مدیران موسسه معتقد است، فرهنگ سازی وی خانواده هایی که بامشکل مواجه هستند و از ررے نظر مالی هم مشکل دارند می تواند مهم ترین هدفی باشد که یک ان جی او دنبال می کند. البته در کنار آن اجتماعي افرادنقش داشته باشد

. ۱-هیلبزگری،کریس(۱۳۸۱)،جنگ پس سیاست نوین درگیری، ترجمــه احمدرضا تقاء، تهران:دورهعالیجنگ.



آیا مزه کنسـرو آماده با قورمه سبزی دست پخت

مادربزرگ یکی است؟ مزه چای کیسهای با چای

ـند بهخصوص بچههای مریضــی که در

ارســـتان مفید، مدّتها بســـتری بودهاند و برای ـــتن روحیه بهتر دلخــوش به یک اتـــاق بازی با سباببازی ها و مدد کارهایی بودهاند که چندساعتی سرشان را گرم می کردند. پچههایی که در اتاق های دلگیر بیمارستان علاوه بر درد،دلگیری و دل گرفتگی

را تحمل می کردند واز دنیای شاد کودکانه شان مدت ها فاصله گرفته بودند. ایجاد اتاق سازی در

بیمارستانهای مخُصوصُ کودکان به خصوص اَنهاییُ که دولتی بودند ووضع مناسبی نداشتند، باعث شد تا

موسسه ریشه هاشکل بگیرد.موسسه ای که سال ۸۶ با ۴خیر کارش را شروع کردو همچنان فعالیت هایش را

یکی از مدیران موسسه درباره فعالیتهایی که این سالها صورت گرفته می گوید: کار با ساخت

اتاق بازی شروع شد. همه هزینه ها با خود موسسه

ب. رئ بود و بیمارســـتان تنها یک اتاق به مــا داد ُ بچهُ هایی

که بیماری های خاص داشتند در ایس اتاق ها، با

... رکی کارکنان آموزش دیده، همبازی شدند و تلاش شد تا روحیه از دست رفته آنها باز گردانده شـود. البته

مشکل بچهها تنها مربوط به سلامتیشان نمیشد. بهدلیل نبود فرهنگ درست، خیلی از خانوادها با بیماری فرزندانشان درگیر میشدند یکی دیگر از

بافرزندشان داشته باشند حرف مى زنند تاروند درمان

سُه انجام دادند این بود که با ... رای کرد کارهایی که خیرین موسسه انجام دادند این بود که با خانوادهها، درباره رفتارهایی که بعداز دوره درمان باید

در حمایت از کودکان ادامه می دهد.